

چگونگی چپاول ثروت ملی ایران به دست دولت آخوندی

دنیای امروز دیگر دنیای بسته زمان قاجار نیست که سفیران و تاجران دولتهای قدرتمند با خرید انحصارات بازرگانی از شخص شاه به تاراج ذخایر ملی ایران بپردازند. امروز دولتهای قدرتمند به اجبار و به اقتضای زمان باید در چهارچوبهای سیاسی و اقتصادی و طبق قوانین داخلی هر کشوری به مبادلات تجاری دست بزنند و با شرکتهای داخلی به رقابت بپردازند.

در ایران امروز در بسیاری از بخشهای صنعتی کلا رقابتی از طرف شرکتهای داخلی وجود ندارد. برای نمونه قراردادهای هنگفت نفتی که تمامی به شرکتهای بزرگ اروپایی واگذار میشوند، چون صنعت داخلی قادر به انجام این پروژه های سنگین نیست. ولی باز می بینیم که حتی در قسمتهایی که شرکتهای ایرانی توان رقابتهای فنی را با شرکتهای خارجی را دارا هستند هم به صورتی از میدان رقابت خارج شده و در آخر باز هم این شرکتهای خارجی هستند که عهده دار انجام این پروژه ها میشوند.

این رژیم ضد ایرانی با برقراری سیستمی ذیرکانه موفق شده است تا دست شرکتهای ایرانی را از به دست آوردن این قراردادهای کوچکتر هم به نحوی کوتاه کنند. ولی چگونه؟

شرکتهای سازنده داخلی در قراردادها با کارفرمای دولتی خود به دو صورت **ریالی** و **ارزی** قرارداد می بندند.

الف) قراردادهای ریالی:

در قراردادهای ریالی حداکثر پیش پرداخت از طرف دولت فقط ۳۰٪ میباشد در صورتی که سازنده داخلی جهت تدارکات و هزینه های دستمزد و غیره ناچار است که ۵۰٪ کل پروژه را از پیش سرمایه گذاری نماید تا پروژه را به اتمام برساند و فقط در این صورت است که سازنده بتواند ۲۰٪ سود ببرد. در کشورهای پیشرفته سیستم بانکی به حمایت از سازندگان داخلی برخاسته و با اعطای تسهیلات و با دادن وامهای کم بهره، مشکلات آنها را حل مینماید.

در ایران اعطای تسهیلات آنها در مقابل گذاشتن سپرده و وثیقه و با بهره های ۱۶ درصدی در ظاهر و با احتساب تاخیرات در نهایت به ۲۴٪ میرسد. پس یک سازنده داخلی در پروژه ای که در بهترین شرایط کار، سودی بیشتر از ۲۰٪ در بر نخواهد داشت، ناچار به پرداخت ۲۴٪ بهره بانکی است. این در عمل به این معنی است که سازندگان داخلی بایستی مقداری هم از جیب خود برای اتمام پروژهها بپردازند.

از طرف دیگر ۱۰٪ از حجم قرارداد بابت حسن انجام کار یکسال و یا دو سال بعد، از طرف دولت پرداخت میشود.

بنابراین شرکتهای و سازندگان داخلی در محاسبه قیمتها چنانچه هزینه های سود بانکی را به قیمتهای خود اضافه کنند دیگر با شرکتهای خارجی و قیمتهای پایین آنها نمیتوانند رقابت کنند و در نتیجه عملاً دولت با دلایل توجیهی کار را به شرکتهای خارجی آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی و واگذار می کند.

این دلایل توجیهی معمولاً عبارتند از اینکه قیمتهای شرکتهای ایرانی بالاست. پس از یک طرف بانکهای دولتی با سختگیری و با بالا گرفتن بهره، که به بالا بردن قیمتهای سازندگان داخلی منجر میشود و از طرف دیگر ارگانهای دولتی به بهانه بالا بودن قیمتها، از دادن پروژههای بزرگ به شرکتهای داخلی سر باز میزنند.

ب) قراردادهای ارزی:

در چنین قراردادهایی شرکتها تنها با اخذ اعتبار بانکی (Letter of credit) قادر به انجام پروژهها خواهند بود. این به آن صورت خواهد بود که بانک مورد نظر تمام وجه قراردادی را پیشاپیش به شرکت سازنده خواهد داد تا آن شرکت قبل از دریافت وجه از دولت (یا کارفرمای مذکور) قادر به انجام پروژه باشد. بانک مذکور بعد از اتمام پروژه، وجه پرداخت شده را از شرکت سازنده به اضافه بهره تعیین شده دریافت خواهد کرد.

ولی چنین امکانی برای شرکتهای ایرانی وجود ندارد. برای نمونه یک شرکت خارجی بخاطر عدم محدودیت ضمانتنامه بانکی با دریافت اعتبار بانکی راحتی و با بهره بسیار کم در اول کار وجه قرارداد را اخذ و کلیه خریداری مواد اولیه و هزینه ای ساخت را داده و بعد از اتمام کار، بانک مربوطه اعتبار بانکی خود را نقد میکند.

در ایران بدلیل مشکلات شرعی هیچ بانک ایرانی چنین کاری را نمیکند، چون دادن اعتبار را مراجع دینی فورمی از نزولخواری به حساب می آورند و غیر شرعی است. سپس اگر هم بانکها بخواهند در قالب مشارکت و یا خرید مواد و تجهیزات، تسهیلات یا وامی بدهند، علیرغم اینکه نرخ بهره ارزی از نظر دولت ایران ۴-۵٪ است که پایین تر از نرخ بهره ریالی ۱۶٪ است، ولی چنین وامی به صورت ارزی داده نمیشود بلکه معادل آنرا به ریال حساب کرده و وام ریالی میدهند که بهره بالا بگیرند. آنهم با مشکلات سپردن وثیقه و دیگر مشکلات که در قسمت الف اشاره شد.

بخشنامه های متعددی در رابطه با حمایت از صنعت داخلی و استفاده از حداکثر توان فنی و مهندسی داخلی صادر شده است. در این بخشنامه هایه تشریفاتی مکررا ابلاغ شده است که در پروژه های دولتی باید حداقل ۵۱٪ از کل قراردادها را به سازندگان داخلی داده شود. ولی شوربختانه از طرف مقابل این همان دولت است که محدودیت استفاده از تسهیلات را به بانکها دیکته میکند. این سقف ۵۱ درصدی در عمل و در بهترین پروژه ها تاکنون به ۳۰٪ هم نرسیده است و در عمل غیر قابل اجرا است.

کمکهای دولتی تاکنون شامل معافیت های ورودی و هزینه های ترخیصی و گمرکی و سود بازرگانی بوده است که در چنین شرایطی میتوان مواد اولیه ارزانتر وارد کرد کمااینکه مواد وارداتی در خارج از کشور ممکن است برای همه یکسان باشد ولی از اول سال ۱۳۸۲ کلیه این معافیتها برای شرکتهای تولیدی حذف و هزینه های بالایی برای واردات مواد اولیه بایستی پرداخت شود.

نکته دیگر این است که به منظور وارد شدن به W.T.O دولت ناچار به یکسان سازی تعرفه های گمرکی با مقیاس بین المللی میباشد که اگر چنین گردد صنایعی مثل اتومبیل سازی و فولاد و سایر صنایع بزرگ که هم اکنون از حمایت نرخهای بالای تعرفه های گمرکی برای ورود برخوردارند به تعطیلی کشیده خواهند شد چون توانایی رقابت با قیمتهای پایین مواد و کالا های خارجی را نخواهند داشت.

بنابراین روز به روز بجای کم کردن فشار، عکس آن یعنی افزایش فشار مالی بر دوش تولید کنندگان داخلی وارد میاید که در آخر آنها را در معرض ورشکستگی قرار خواهد داد و این میدان را برای وارد کنندگان و دلالتان بازار و شرکتهای خارجی باز خواهد کرد.

این واردکنندگان و دلالتان بازاری که خود از گروه مافیای اقتصادی هستند و دست در دست آخوندها به دزدی و غارت مشغولند، توسعه صنعت و سازندگی داخلی را بر ضد مصالح مالی خود می بینند، چرا که اگر شرکتهای داخلی قادر به ساختن و تولیدات مواد و دستگاههای فنی گردند چگونه این دلالتان بیسواد بازار قادر به پول درآوردن خواهند بود؟

دیدیم که دولت از یک سو شرایط مالی را برای شرکتهای خارجی مساعد تر میکند و دستهای سازندگان داخلی را با تحمیل بهره های سنگین از پشت میبندد و از سوی دیگر به بهانه بالا بودن قیمتهای سازندگان داخلی، آنها را از بدست آوردن قراردادهای دولتی باز میدارد. و این سیاست تنها راه را برای هجوم شرکتهای خارجی برای چپاول ثروتهای ایران باز کرده است.

قبول اینکه گرداندگان جمهوری اسلامی به این اندازه از این مسائل ساده و پیش پا افتاده بی خبرند، بسیار دشوار است. تنها دلیل اینکه سیاستی این چنین مخرب برای از پای درآوردن صنعت داخلی بر پا شده این است که این رژیم آخوندی در فکر پیشرفت ایران نیست بلکه برای خرید حمایت سیاسی کشورهای اروپایی و برای اضافه کردن چند سال به عمر خود، از هیچ کاری روی گردان نیست، حتی اگر این سیاستها منجر به از پای درآمدن اقتصاد و صنعت کشور گردد.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>

